

در ایام هفته بقدر امکان طبع و نشر میگردد
تکمیل نمره هفت شاهی
مدیر: غلامحسین کسایی
محل اداره کسبا

بکتابخانه
۱۳۳۵

عنوان نگراف و تلفون: از توفیق و لیا در مورد نام
عنوان مراسلات پستی: زمین کسبا. مدیر
درجه اشتراک بعد از سه نمره دریافت میشود

قیمت اشتراک

کسبا
شش ماهه
۵۰ تومان
۳۰ تومان

این روزنامه فقط نگاهبان حقوق ایرانیان بشمار افکار اسلامیان است

افاده مرام

کاکتس این روزنامه برای آگاهی پرستان جام آبادی
سطرحات در صد دتاسیس این جریده در این ناحیه برآید
سبب تاسیس این اوراق از روزم گذشته بکوه و بید
بدون فوت وقت غفلت را کنار گذاشته با هزاران
رغبت ما فراهم نمودن لوازمات عمالت موفق گشته توفیق
این خدمت و بچایان رساندن این مقصود را از خدمت

احدیت خواستاریم

مقصود با تجارت پردازی و ملاحظات خارجه نیست
نگشته و افکاری خسته باز بانی الکن می خواهیم اظهارات
خود را از نظر افرا دقت گذرانیم
شاید بدین وسیله افکار عمومی را متوجه ساختن باجهت
شوند از صاحبان افکار عالیله و ارباب قلم بسته و مطلمیم

اعتذار

اول باید دانست که بیت نوشته این نامه ملی ایرانی و
میزنی نژاد و طرفدار حقوق و صلح قانون میباشد جهت

طبع و نشر بدون اتیازه از ذمات بکسب معارف با اوقات
دلت بوده است در انتشار همچون کجا بنده نذا بهر حال این
از این شماره از آن مقام فیج اتیازه این جریده را خواهیم
اولین قدم برای حسن جریان اسبابا

اشکالات چهارمین دوره تقبیه از زمان عموم دانشمندان
مستنده ساخته است و عقوبت ناخنده گانی که مسئول جیات
صحت قطعی بنده که مسیبهای پارس است را اشغال خواهند
نمود یعنی در این دوره تقبیه یا یکی عرق رنگ به شانی این
ا... و خاک خواهد نشست و یا نیم جیات بشام دفن
در مسیبه جنسی در عثمای فالووی بدنه خواهد شد

پس قلمه ایران در بار بکترین سوخج بولناکی که اصل سیاست
این آیت بک نظر از اکثر نشان داده و قمع کرد ده است
در بیا که این بیت سوخج آنچه از عیبتات کار خنجره
و از گوشه و کت و مشهور میگردد ما را باز یک...
امر نموده نهال امیدمان با قیقه باوس از برای...
بدین غمی که فقط امید داری که از این...

دست‌نما سر جریان انتخابات است که بدستگاه آنها با
یک وسیله کاری فرق اعاده بر است از ادوار سابقه
بتر و قاطع تر است حال جریان باشد
و واضح است که این قسم جریان انتخاب تا چه وجه قوت
و غیر خواهد داشت و بجز اندازه آیه این آب و خاک را
تهدید نماید
آری اولین قدمی که برای حسن جریان انتخابات لازم
بوده و همیشه و چندان وقت هم فوت نگردیده مانا
تصمیم حکام در دسای سابقه و سلب اقتدارات غیر مشروع
ایشان باشد از قبیل قتل السلطان و ذوق فرما
و کاران بزرگان و مستبدان و غیره
و همین حکام در روزگار امروزه که مصداق امر ایالات و
ولایاتند از همان زمره اشخاصند که تا روزه با یک دست
غیر قابل تقریر دست بدست همکاران ستم پیشه استبداد
خوش خود بر او امان جو بر بی سلطنت مستبده مغفوره کنند
روسی داد. رمار از روز کار نوع خود بر آورده و اند
بچگونه لطمه بناموس وطن و هموطنان خود مضایقه کردند
انصاف باید داد که ما تمام دلدی این گونه اشخاص
با اقتدارات و اختیاراتیکه مواد (۱۰) و (۱۱) قانون
انتخابات نمایندگان مجلس ملی بدیشان میدهد
آثاره و نتیجه بجز سوت دادن قتل بودی عدم و
تهدید با محال چیز دیگری را در بر خواهد داشت و آیا
جریان این انتخاب اطمینان بخش خواهد بود
و در کلانیکه به سینه ایمان و پارتی بازی فرق مخصوص
ذکر دلدی را کسیرن پارلانی نیستند) برگرداندند قاضی
قانون گذاری در مادای ممکن بوده و شاید سپردن
ناموس قومی بچند ائمه شان خواهد بود؟
که امروز جهان گرگان آدم خوار خود را با بس پیش سر
مرشدان

و ما نشان وطن سر فی مناسب
و . . . چه ساد و لوحی . . . چه سهل انگاری مانیز با سبب
انکار عموم مسلمانان ایران آنان را خاطر نشان می‌نمایم
که ابرایان اردوسی بدین اغفالات و محض کردن
لباس و تجدید پرده؟ ذیب سحر زده همیشه خود را
آلت دست شما دار نخواهند داد و میگویم .

ای سخنران فاضل پیغمبر بر ایند که ملت ایران لذت
اشقام را چشیده و از این طعمه لذت دست بردار نخواهند
بود : در دوش متحده جدید خود را که هجرات
فوری فاسدان است کناره نخواهند گرفت
اگر چنانچه بیزگترین حبیل و دیالین نیز تمسب شده
و تصمیم مثبت منظم دولت قنوع مارا که شروع با اصلاحات
و تصحیح مرفاسه و دفع مواد موزیه و وضع حکام طایفه
و انتخاب نمایان در سکار از همه سرپرستی ملت است
محترم شمرده و در صد و احوال بر آید

بدون فوت وقت نریایان را در کنار آن خواهند
بخت :
و مانیز این اقدام بوضع بیت معظم دولتی با که با اصلاحات
شروع کنند باقی مگوازد دولت خوابی و فراموشی
تقدیس کرده : و موافقت نوابز این مکارگی عظیم که
اولین قدم برای من جریان انتخابات است در خدمت
بنمایم

آقای مدیر محترم روزنامه جنگل سواد مکرگراف وکیل را
که بطهران مخایره شده برای اطلاع قارئین کرام
به اولین شماره جریده خود درج فرمائید

سواد مکرگراف

سواد مکرگراف
موسس و مدیر محترم روزنامه جنگل سواد مکرگراف وکیل
خانکامی اعلی حضرت شاهنشاهی خلد الله ملک :
افشاح دار التوری تاکنون برای برخی مخدودا

متعسر بود اکنون ماقبال برزوان شایسته می بود
منفقو و شرایط موجود زمان جهان مطاع که
هاکی از حسن نیت مقدمه درام ملوکانه بود

صادر
مضرات تاخیر این امر در پیشگاه جمیونی مشهود فائین
بسیار مشغول است عا داریم امر اقدس اصلی
سرعت انتخاب و تشکیل دوازده نفری که یکی از
مقاصد فدائیان است مقرر تا پس از افتتاح
مجلس سایر مقاصد و درام فدائیان که فقط متضمن
حفاظت وطن و ملت و حیانت تاج و تخت
اعلی حضرت شایسته ای بوده و مهت باید
سرپرست معتمدین معروض کرد

محل قهرت اتحاد اسلام گیلان

کتاب محلی
تقدیم تشکر: درخواست فعلیت

قول رافضی لازم است

روزنامه مساوات در شماره ۴۴ تحت عنوان کتب بربر
مقاله مندرج بودنی اختیار فرمایم که دید که نیت صادقا
خود بهم قطار نام را توسط این جریده در ضمن ادای تشکر و
عرض جواب مشهود دارم

بدیسی است که هیچ قومی در عالم مانند ملت تکمیل ایران
بازادی ملت روسیه که در زیر رنجبر اسارت حکومت
مستبدانه بیدترین در کارهای و چاره بودند علاقه مند
نموده و وقت

توضیح واضح میداریم که بگوئیم حقیقت دموکراسی تمام
اقوام عالم را متحد و وحدت علیات هر ملتی را برپا
ملاحظه اختلاف تراد و مذموب متضمن جلا و این

نظریه که آزادی هر ملتی بدست سبب مرث مل دیگری که
طبق آزادی را ملی بنامید خواهد شد مملکت و ملتی
است که برای تطلقات اقتصادی و اجتماعی و خبره
علاقه حیاتی با مالک دیگر داشته تاگزینند که رشته
مردت خود را محکم و از سعادت یکدیگر بهره مند گردند
ملت ایران آن ملتی است که بیش از اقوام سایر ملت
روسیه مرتبط و منظر حسن روابط بپوری است

ایران محنت دیده بارزده سال است که بفرمانی هزاره
فرزند رشید خود حریت را تحصیل و در این مدت بر
مظالم و حث خیر حکومت نزاری در ذمه موفق باصلها
نگر دیده کل آزادی از دایره لفظ خارج نشده بلکه تحت
تراز استنداد سابقه چهار لطات طاقت ذساکر دیده

اطفال پررگشته پدران و مادران پسر مرده مردان
همی بیاد داده که بامید استقام را آنچه عدالت شکل
این بر خارت نمودند باید که حضرت مکران و منظر که
روح مساوات روزی آمان از آزار و اذی و بر بنده

سوق و در
لطایف غیبیه نگذاشت که قاموش کننده عدالت
شیر اسحر کند امیدواریم کامل دست طیف بر
انتقام از استین مردانه جوانمردن روسیه پرورن
بایک انقلاب پر از شرف تا راز و تحت سرنگان
تخم و از گون سجد بندگان و به استغناق بر
فرخ بخش حریت گردند

موفقیات ملت روس بقدری با تمید ایرانیان
افزود که هیچک از عناصر ایرانی (سوی یک جمع
رذل بفرغ) نتوانستند از اظهار شرف بود
کنند نظر بودند که سر بیا از حرف حکومت دموکراسی

روس جبران ثبات شده بلکه های مادی و معنوی تحقیر
ایران و لغو ایضاً است شش ماهی بجز اجازت قلب
با گذراندن

مع اتانف تا امروز اظهارات مساعدت آمیز دولت
دولت روسیه مثل شرطیت یازده ساله با پارز
دایره لفظ جردن نهاده در حالتیکه

قول رافضی لازم است

این نکته مسلم است که ملت روسیه طبعاً منجیب و طایم
و دارای محبت و اقی و شرف آویس بیچگاه از برابر
حیات دوستانه در باره همایگان خود فاشه این
خود داری نه داشته اکنون نیز ایرانیان همه اظهارات
برادرانه آنانرا بجز قبول تلقی میکنند ولی قشون
دولت را جز اطاعت و تسلیمین حکومت مشروط
خود چه تکلیفی است

حوادث اخیر بطور کرا و مگر گواها صادق بمانت ؟
اظهارات و تاسفات بر شهید اسی بالله شایان
تقدیر است ولی امروزه بهر موده بگذره امید که
بچشم بزندگانی ایرانی حق حیات استقلال داده میشود ؟

حکومت روس که اسی روس با صمیمیت ملت خود
نبت با همراه است ؟

و اینجا جواب منفی است : چرا ؟

تا امروز قضیتى ندیدیم در حالتیکه

قول رافضی لازم است

از آغاز جنگ بین اسی ایران و سبیطنی خود در اعلا
و مطمئن بود که دول همایه نقض بیطنی او را نخواهند
همایگان جنوب و شمال با هم جلوه گیری اند
پروپاگانده آنان بیای مدخله طنی و جس قنولات

خودشان نامور داخل ما را غلظ کرده بیش از سایر دول
موزت اختلال ملکوت بودند بیجای آنکه در بحی
موقتی دست از تجاوز کشیده مفاد قنولات
خود را که هر یک در حوزه ناموریت خود سلطانی
مستقل و مقتدر هیچ قیدی نبوده اند بمالک نموده
و دولت ایران را با سعادت خود بگذارند بیطنی
خود را محفوظ و فواید بیطنی آنرا خود جلب کنند
بیچیک از اینها عطف نظری نگردیده سهل است
زینتی بغلظت و تقدسی نامورین ایشان افزوده
و از طنی بنای سوق قشون گه اشته سبب شدند
که در میان آنان بعنوان معارضه مثل قشون وارد
کرده ایران را بجز العلاء و هزاران بدبختی دچار
قتل و غارت بهت آوری نمایند که ترسیم آنها از
دایره قدرت فعلی هم ناما خارج باشد چه رزوه
حقیقت از یادمان میرود !!!

قشون عثمانی در بد و جنگ مگر قادر به تجاوز و دخول
به خانه ما بودند ؟

جنگهای حدود کرمانه زمان رئیس الوزرا
عین الله و له از خاطر ما محوشد ؟

چه چیز سبب شد اخیراً از ورود عثمانی بخراک
ایران مانعش بعمل نیاید ؟

همان وجود قشون روس عبور و قشون
جدید روس و مدخله دولتین انگلیس و روس
صریحاً !

آیا می توانید انکار کنید ؟

ز دولت ایران از کدام نقطه شروع بجیشی برای دولت روس شتر شربت؟ که با آن همه امتحانات نوزده ماهه هنوز از این پلیس بی صرفه دست نگاشته اند مقصود مجاریه با عثمانی است سرحدات تفقاز داره غیبه از هر جهت برای سوق قشون مناسبتر و بهتر است دیگر دست از گریبان شتر سوارگان برنداشتن و مملکت آنها را اسپهان مجاریه قرار دادن جز تولید سوء تفاهم نتیجه دیگری خواهد داد مگر دولت وقت ایران تقاضا کردند که شما ایران را تحلیه کنید بیرون کردن عثمانیها را ما چه داریم آیا امتحان کردند؟ آیا عثمانیها جز بعنوان بیرون کردن قشون روس از ایران متوسل بجزر دیگری شدند؟ آیا امروز که قشون عثمانی از ایران خارج و ببنواد مد تقرف متحد آنها و حکومت روسیه و موکرامی مهاجرین ایرانی اغلب بایران عودت کرده دیگر جای عذری باقی است؟ باز هم مواجید دیپلوماسی که اساسش تقصیر است؟ باز هم باید خلیت در حجاب الفاظه بپاوری بیچنه شاهد بازاری باشد؟ آیا میتوان اندم در راه خودس صرف نظر کرده و بقول تنها مطمئن شد در حالتیکه قول را فعل لازم است و انگلیس برای نداشتن قشون کافی نه ادوا مطبک جن المللی دولت مستبده تاری را آلت و باکم جلو گیر از هجوم احتمالی عثمانیان محوک شد خاک ابراز

میدان مجاریه قرار دهد خود هم بوشهر را اشغال حدوداً پنجاه خود را با هزار تومان سرمایه روس منظم و شریک بنادی شدند که فزاید خود را با تشکیلات جدیدی تسخیر خود تا این کنند امروز که انگلیس دارای قشون بری کافی شما چنانچه ایران بیاد دولت وقت آزاد روس عدم صرفه در وقت برابر احساس کرده دانستند که تحلیه ایران از اشغالش بشیر مقرون بصرفه است تا امر ذر آلت بودند از این بعد نباید آلت شد دیگر چه تالی؟ عجا، بیگومیند در صورت خروج عثمانی و انگلیس از ایران و خانه جنگ قشون با عودت میکند! عثمانیها که رفتند، گو یا همان صورت همیشه عثمانیها را اراده میکنند! انگلیس که متحد آنها است خانه دیار دوام جنگ (جز اینکه برای تنبیت بشری) ما را از قتل اجنا بشتر مثال میکند دیگر چه ربطی با دارد؟ اگر فخری قشون عثمانی در حدود کرد و انگلیسها در فارس باشند برای توقف قشون دولت آزاد روس است امتحاناً ما را بسجال خود مان گذارید اگر عثمانیها و سایرین قانده تجاوز ما را جز از جلو گیری شدیم آنوقت بتواند بخلاف عقاید حکما ما را در ایام دوره تسلیم سرگردان کنید دور و پیاس

دین روس و انگلیس میگویند ما نیز میرویم و قیام میکنیم

بهادر عثمانی میگوید ما در ایران نیامدم مگر برای پرودن کردن آنان روس و انگلیس هر وقت بخت ما هم برود پس این قافله تا بحر لنگ است و ما در یک هفته دور و قسلی مقید و باید مثل همه وقت گرفتار بپریم عذاب باشیم

آقایان من فاتحیت عثمانی و آلان بمخلوبیت روس و انگلیس با بالعکس چه نفسی با فواید داد.

ما میگوئیم همه بگذارند که تا در خانه ویران خود نفسی برآ کشیده در عالم برادری بقدر یکخواهر ببارش دهند زبانه بر این خیال اصلاحات ما را ختم بگذارند دنبال اقوال دوستانه نرفته افعال دشت بدو راه دهند زیر الزوم

قول رافضی لازم است

چگونه با یکت فکرم دگان اواره از خانمان توایم با ظهار دوستی برادران روسی متقاعد شویم در حالیکه آنها هر قدر بیکو گیری از ملتک دولت مشروطه خود نیستند! ساده تر عرض کنم آنها هم در پنجه زمانه ایران هر وقت خود مثل هر وقت با مقیدند

ایا دولت روسی که اسی روس با موثقتین خود که آن موثقتین فقط و فقط برای توسعه استعزیزت و اضحلال اقوام صغیره جنگ میکنند. صمیمانه نمیکنند مگر طغیونها از برادران نوعی مسلکی ما را منور در قریبگاه فروتهای مختلفه قربانی اوموس دیگران میکنند؟

دقیقاً روح لریت برای قتل و اهدام این اعضاء نفیسه نری عزادار است!

ز اسرار صحافی لایحل سیاسی که از فهم بنده جنگلی فایح دایره است گذشته قدری ساده صحبت کنیم بیرون کردن مثنی بیطرفان ایرانی را در گسیلان نقاط دیگر ایران از قنول خانههای خود و اقلان از ایزراه قدری صحبت نشاندن هم جزو اصلاحات صحه است غول پلم را در صورت بقای یکت خان دیگر چه باید باشد؟

اگر نسخ معاهدات مغزیه قدیه یا الف ایثاراتی را که که محمدولی خان سپهسالار سنجابی عاری از سرفت و است در خلاف قانون مملکتی داده و امروزه در کمال رعیت مجری میشود لغو کردن یا سکوت عن گذشتن قابل اهمیت است؟

چگونه میگویند که ایثارات سپهسالار می خورجی ننده در صورتیکه راه آهن پربار بار و غیره با معذرت کامل گواه صدق بنده داشته باشد شایسته است پس چه باید کرد؟ همان عنوانی است که بدو اعرض شد مساعدت علی

سخنواسیم زیرا: قول رافضی لازم است

بنیاد معافیت و اقامت جنگل و عدم اطلاع از امور سیاسی و ادبی بالاخره بیحلی و بیوادبی مجبورم ساخت که ساده در دل کنیم شاید باز زبان جنگلی خود تو را قسم خود دل خود را ثابت و برادران حریت طلب روسیه را آگاه کنیم که آنها نیز چون ما دچار به سختی هستند بقول باباطاهر عریان بیاسوده دلان که دهم آئیم انها آت دیگران ما گرفتاری هدی آنان هر دو هم صنیعه ایم که در خطیم بدستخانه هد مگر علاج کنیم

چشم باز و گوشش باز این عجب
 حیرتم از چشم بندت خدا
 معاودت تابوست یا اقامت جنگل در عرض
 زیر آما ایرانی و ایران ویران خانه نامه این دست
 ما بچشم نگریم بلکه همه وقت مورد هجوم سارین
 شدم خصمانه و درود میکنند دفعه میکنیم و
 ستانه می آیند پذیرائی مینمایم گریه مصداق
 با یک عالم خجالتیم برای نقد آن وسایل از همانا
 محترم خود پذیرائی کامل نمودیم
 در خانه از کتبه محترم کار برون و تمام مباحثین و عیاش
 صلوات آزاد رویه اتقان و تشکر نموده و میدانم
 که اظهار نشان از روی صداقت و صمیمیت بوده و جز
 بود و ما هم در گوشه جنگل با بقرایان، مواجید برادران
 آنها مقیم در این فراز بایک دنیا آمدند مگر که
 قول راضی لازم است
 (یکتقرنلی)

قفسه ظلم و فشار در نصف الهامت داشت
 شنیده میشود که قشون روس از آنطرف کرمان
 عقب نشسته و در موقع ورود بکرمان شاه دست تقابل
 کشوده اند همچنین در خصوص مال گیری و نهبستن آذوقه
 تعذبات فاحش از ایشان نسبت بر عیاشی بچاره ایران
 مشاهده میشود که تا بحال این حرکات کم نظیر بوده و
 اینجا هم باز متوجه اوسبای دولت و سفارت دولت
 بیته شده و در خواست علاج عاجل مینمایم

چند روز است که مجدداً تکرار لغت سده از طرف
 روسها ملاحظه میشود و مسئله سانور هم که درباره
 نقاط ایجاد شد و هنوز هم برقرار میباشد امر مشکلی است
 با مدار و دشمن

راجع بنمایند معارف
 از جهت مدارس قدس و کسبه پاکتی با واره رسید
 شکایت از نایب محترم معارف که مدتی است در خواست
 پروگرام وزارت معارف و ایجاد مدارس را از ایشان
 نگرفته ایم ابد اعطاف تو جوی تو موند و تا بحال جواب
 تا خبر انداخته اند

از رئیس محترم معارف رشت دستور و پروگرام وزارت
 جدید معارف را در خواست مینمایم که تکلیفات مدارس
 این سامان ناقص نماند
 از رشت با یوزینه که مادر عبد الله خان بود از رسیدگی
 به خاطر و آرسو نظریه خیانت های اجزای سابق را
 کشف کرده و بعد از محاکمه اغلب را غول و نظهران
 روانه نمودند غیر از محمود خان و میرزا شیخ که بدو
 محاکمه خارج شدند
 مانده آقای ماروز را با بحال این دو نفر فاحش دولت
 دولت جلب مینمایم

قابل توجه گارگن مساوات
 در بین طبع روزنامه این خبر وقت اثر بگر خوش
 بار سیده
 اعدام
 روز شنبه از کرمانه خبر رسید بنه که روسها
 ۱۸ نفر از انالی را بدار زده و محکوم مینمایند تا گرن
 بر آکف ننده که آنها از چه طبقه میباشند
 شماره ایران

بندت حرکات قشون روس
 اخیراً اخبار اسف سخته تری از معاودت نظامیان روس
 نسبت بایرانها شنیده میشود که در صورت صحبت باید

برای رنده داشتن نام لگانه شهید رده دهن میرزا جبار
خان میرصورتراقل
یکت از این جریده را بنام ذیل میکاریم
(خرند پرند)

تکرات خارج - بتوسط آژانس پاده
از خدمت بزرگ میدان
یوم جمعه یک ساعت ۲۵ دقیقه بفرودگاه
خوش مزینک از وسط بزرگ میدان بلند گردید
(نطق امید بخش)

در پاره بان عباسی مادر طرف اظهارات خود چنین
بیان نموده این خدمت نسبت به حال سابق آینه
بخش است همین قسم که داد طلبانه جوانان با
مکل و کردت مصابر کف است گرفته در خیابانها
بزرگ میدان و سنگهای باغ قسم عرض اندام میانی
عقرب است که مقام توفیق را اجراء نمایند
(از قلمستان)

خدمت فوریت - زمره اشکات رفته رفته وجود
خارجی پیدا کرده که گوشه در کنار کب است
احتمال بی امراض سریه میزد و از قیل (ریل) آبی
(استقامی از وزارت) (بانیولیا) از طرف مجلس
خود تقوی خوب است برای جلوگیری از این
مرض هلاک یک قرظینه در دریاغ و کین مش
گذارد شده که با یرین مرتبند
(اوپیاست)

این دوره تقییه چون دوره چاه است

۱۰۰۰ سال

مطالعه کن

این موقع فخره ده که موقع کار است
ای غرقه باو نام در عالم غصه
این ماه دیگر از ایام بهار است
نزدیک با تمام کوه حوزة و کوه
نی وقت شرب است غایت قدرت

این دوره چه پاریش - به بهانه
ای وقت بدست کوشش
این رشته بگفته با فیدرانه
ای مردم دل سخت کوه جنت
این شبه چو آینه نشیند سخانه
تادق کثرت که کوشش
افوس که روزی چو شیار است

امروز که سفورده آمد رفت شداد
باد دوره بجهید باز که داریم
امروز که روستی آزاد با داد
صد و عده عاید ما خود بکاریم
امروز که باید بود مملکت آباد

باین همه امید ما که نگاهیم
هر کس بخویش به راه سوار است
امروز که بهایه باکشته پارس

باصطفت خویش بیار چه گوید
امروز که بجان باکشته ده کار
از جنت و پیش تا چاره بگوید
امروز که از قدرت سرتره اجراء
خانین شده درش کی دست ترید
او باز به گوشه که دیش نبر است

محل دوش ز رشت شبانگه نشو (نگار شمس)